

دو یورش پیاپی به حزب توده ایران ایران امروز را باید در آینه حوادث دیروز دید

اوضاع بسیار بغرنج و پیچیده ایران، هرگز به معنای آن نیست که نتوانیم و یا نکوشیم سیر رویدادها را در پروسه ای که به لحظات کنونی ختم شد مرور و تحلیل کنیم. هیچ نوع تحلیل و ارزیابی از ایران کنونی، بدون نگاه به گذشته و آنچه که روی داد ممکن نیست و بی شک در دل همه حوادثی که در ۲۷ سال گذشته در ایران روی داده است مسئله بسیار مهم "یورش به حزب توده ایران" و خارج ساختن آن از گرونده حضور علنی در جامعه انقلابی ایران نهفته است. هرگز نمی توان گفت که گذشته مربوط به گذشته است و باید از امروز گفت.

امروز در آینه دیروز منعکس است. آنها که امروز در ایران حاکم اند، از دل رویدادهای گذشته بیرون آمده اند و در بسیاری از رویدادهای مهم نقش آفرین نیز بوده اند. ما یقین داریم که آینده بسیار پرتنش و حادثه سازی در پیش است. حتی، تا حد پیش بینی ناگوار دخالت مستقیم نظامی در امور داخلی ایران. اما، همین پیش بینی ناگوار نیز اگر تحقق یابد، حادثه ای جدا از دیگر رویدادها و سیر و تحول ۲۷ سال گذشته نیست. بدین ترتیب است، که یورش به حزب توده ایران پیوسته سرفصل گردش به راستی در جمهوری اسلامی است که هیچ تحول و رویدادی را نمی توان بدون نگاه به آن آغاز کرد. اگر زبان انقلاب - نه به تعبیر حاکمیت، (بلکه با نگاه به ماهیت انقلاب ضد استبدادی و آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ۱۳۵۷) در پایان سال ۱۳۶۱ (بهمن ماه) و آغاز ۱۳۶۲ (اردیبهشت ماه) بریده نشده بود، ای بسا میهن ما شاهد حاکمیت کنونی نبود و مقاومت ملی در برابر ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی نه از نوع "طالبان" و "القاعده" و "تهدید اتمی"، بلکه از نوع کوبا، ونزوئلا، ویتنام و... بود. این نه به معنای آنست که حزب توده ایران رهبری کشور را بدست می گرفت، بلکه به معنای حاکمیت طبقات و اقشار اجتماعی و برقراری سیستمی مردمی و در خدمت مردم و نه برای غارت مردم است.

حزب توده ایران زبان گویای انقلاب ایران بود، متکی به اسناد و مدارکی دهان باز می کنیم و با قلم بر کاغذ می گذاریم، که نمونه ای از آن را بصورت یک سند تاریخی در زیر می خوانید!

کنکاش در دلایل سازمانی - نه دلایل اجتماعی - ضرباتی که به حزب ما وارد آمد، ارتباطی به تحلیل ما از اوضاع ایران و انقلاب و نیروهای شرکت کننده در آن ندارد. مشی و سیاست حزب ما در مجموع خود دقیق، علمی و منطبق با شرایط روز ایران بود. رویدادهای ۱۰ سال گذشته و چشم گشودن نیروهای سیاسی غیر توده ای در ایران (اعم از نیروهای مترقی مذهبی و ملی) و بیان و اتخاذ سیاست های منطقی و منطبق با شرایط ایران و نه تخیلات و آرزوها بر درستی آن سیاست مهر تائید گذاشت. هرگز نباید تسلیم احساسات ناشی از ضربات سازمانی به حزب قرار گرفت و یا مرعوب تبلیغات دشمنان تاریخی حزب توده ایران شد. این دشمنان تلاش می کنند ما را در اسارت ضربات سازمانی باقی نگهدارند و ما را بعنوان حزبی مغبون و مرعوب بدنبال خود بکشانند!

باید با ارائه اسناد و مدارک و با تاکید بر آنچه حزب ما گفت و پیش بینی کرد، اما تا لحظه وقوع به آن توجه لازم نشد، به مقابله با کارزار تبلیغاتی علیه حزب توده ایران رفت. قضاوت نهائی با میلیون ها ایرانی است، که در انقلاب شرکت کردند، اما به رهبرانی اعتماد کردند،

که اعتقادی به مردم و نظر و خواست آنان نداشتند. حزب ما با جان سختی تاریخی خود، تا آخرین لحظه ممکن و با تمام توانی که در آن شرایط داشت، در میدان فعالیت علمی و نیمه علمی ایستاد تا سخن تاریخی خود را در جامعه بگوید. این برای حزب ما یک افتخار است. این افتخار را باید به کمک همان توده های عظیم مردم، که امروز با چهره واقعی حکومت آشنا شده و حکومت سعی می کند با ترویج و تشویق خرافات و دامن زدن به جنگی جدید، شناخت آنها از حاکمیت را به بیراهه بکشاند، به یک واقع بینی ملی تبدیل کرد!

در بهمن ماه ۱۳۶۱، ستاد عملیات دستگیری رهبران حزب توده ایران به فرماندهی "محسن رفیق دوست" یورش شبانه به خانه اعضاء رهبری حزب توده ایران را آغاز کرد. درباره تدارک این یورش بعدها اطلاعات بسیاری به خارج از زندان های جمهوری اسلامی راه پیدا کرد، از جمله اینکه از ماموران اداره هشتم ساواک شاه برای این عملیات و بویژه حفظ اسرار محل نگهداری بازداشت شدگان، استفاده شد. دو مخبر انگلیسی پیام انگلستان مبنی بر ضرورت حذف حزب توده ایران از صحنه سیاسی کشور را با وعده حمایت انگلستان از جمهوری اسلامی در جنگ با عراق به ایران آوردند. (نگاه کنید به نامه های زنده یاد کیانوری در صفحه ویژه او در سایت راه توده) بازجویان چه کسانی بودند؟ شکنجه ها کدام بود؟ چرا تقریباً تمام کادر رهبری و برجسته ترین کادرهای حزبی را قتل عام کردند؟ و ده ها سؤال دیگر، اکنون پاسخ نزدیک به واقعیت خود را دارد.

در سال های پس از یورش و بویژه در مهاجرت، بحث های بسیاری پیرامون خوشبینی و یا اعتماد بیش از حد رهبری حزب نسبت به عملکرد آیت الله خمینی و روحانیون صورت گرفت. این ارزیابی ها تا چه حد واقعی و متکی به اسناد و اطلاعات بود و یا نبود؟! خود مبحث جداگانه ایست، که با توجه به فعالیت یک حزب علنی (که طبعاً تلاش می کند، تا به حیات علنی خویش در جامعه ادامه بدهد) و عوامل بسیار دیگری باید بررسی شود. ما در اینجا تنها با استناد به یک سند تاریخی می خواهیم به دو موضوع بسیار مهم اشاره کنیم:

۱- نخست اینکه رهبری حزب توده ایران در ماه های پیش از یورش به حزب، نسبت به روند حوادث و سرانجام انقلاب ارزیابی کاملاً منفی داشت و این مسئله را، تا آنجا که امکان داشت، طرح کرد:

۲- یورش به حزب ما، در واقع یورش قشریون مذهبی و سرمایه داری تجاری بازار به سنگرانقلاب بود و دیدیم که در سال های پس از آن، سنگر دیگر، یعنی نیروهای طرفدار آرمان های انقلاب، اما با اندیشه های دینی چگونه با یورش این قشر و طبقه روبرو شد.

توجه به این دونکته از اهمیت بسیار برخوردار است، زیرا:

الف - در مهاجرت و متکی به حافظه ضعیف بسیاری از نیروهای اپوزیسیون، می خواهند اینگونه تلقین کنند، که حزب ما از درک شرایط و بویژه تحلیل اوضاع کشور عقب ماند!
ب - خطر قشریون مذهبی را ندید و در حصار مبارزه ضد امپریالیستی آنقدر باقی ماند تا حادثه فرود آمد.

اشاره به این نکات نیز اهمیت تاریخی دارد، زیرا:

۱- بسیاری از نیروهای اپوزیسیون کنونی جمهوری اسلامی بویژه مدعیان جبهه چپ و یا در واقع چپ روها) موضعگیری های نادرست خود در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب و بی اعتنائی به همه استدلال های حزب ما برای تشکیل یک اتحاد ملی و انقلابی برای جلوگیری از تسلط راستگرایان مذهبی را نه تنها خود فراموش کرده اند، بلکه سعی دارند، دیگران را نیز به فراموش کردن آن تشویق کنند.

۲- نیروهای مذهبی و ملی نیز، که امروز تحت شدیدترین فشارهای نیروهای راستگرای حاکم قرار دارند، با مرور گذشته ظاهرا باید این نتیجه منطقی را گرفته باشند، که ارزیابی حزب ما از وقایع اجتماعی بسیار دقیق بود. این ارزیابی همچنین می گوید، که از گذشته باید پند گرفت و زمان را برای اتحادهای تاریخی از دست نداد.

در این یارآوری یک انگیزه بزرگ دیگر نیز مورد نظر است:

تحولات در ایران، علیرغم همه پیچیدگی ظاهری خود، حتی در صورت حمله نظامی به ایران و یا برپائی جنگ داخلی در کشور اجتناب ناپذیر است. این را بحران عمومی حاکم بر جامعه می گوید. حکم ما نیست. حکم تاریخ است. این تحولات می تواند در جهت دگرگونی های مثبت و مترقی سیر کند، اما به یک شرط ساده و در عین حال تاریخی، که "اتحاد عملی نیروهای طرفدار تحولات در جامعه" با شعار بازتاب دهنده نیاز لحظه کنونی جنبش تحول خواهی باشد. این شعار همانگونه که در ماه های گذشته بر آن تاکید کرده ایم، به نظر ما نمی تواند جدا از صلح طلبی، مخالفت با جنگ و استبداد و قرار گرفتن "عدالت" در مرکز آن باشد. یعنی صلح - عدالت - آزادی.

در آستانه یورش به حزب توده ایران

تنها چند روز پیش از یورش به حزب توده ایران و دستگیری بخشی از رهبری حزب، نورالدین کیانوری، در سمت دبیر اول حزب توده ایران، مصاحبه ای تاریخی با خبرنگار ارگان تئوریک حزب کمونیست فرانسه انجام داد، که در آن انگیزه های یورش به حزب با صراحت بیان شد. این مصاحبه در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب سال ۵۷ انجام شد و در آن نسبت به تسلط سرمایه داری تجاری و قشریون مذهبی حامی این سرمایه داری بر ایران و انقلاب سال ۵۷ هشدار داده شد. ما به سهم خود از اینکه به این هشدارتاریخی از سوی مذهبپون طرفدار آرمان های انقلاب و دیگر نیروهای سیاسی ایران، در آن زمان توجه لازم نشد، متأسفیم. این مصاحبه، که با خبرنگار "رولسیون" انجام شد، در داخل کشور (همان زمان) بدلیل محدودیت شدید انتشارات حزب و همچنین یورش به حزب، پخش و توزیع نشد. نکات بسیاری از این ارزیابی در آخرین تحلیل رهبری حزب درباره چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب مطرح شده بود، اما این تحلیل نیز با یورش ماموران حکومتی به چاپخانه ای که این تحلیل در آن چاپ می شد، منتشر نشد!

سیر حوادث در تمام سال هائی که از یورش به حزب توده ایران می گذرد، مهر تایید بر این تحلیل می زند، که در زیربخش های مربوط به اوضاع ایران آن را می خوانید. ما سئوالات خبرنگار "رولسیون" را نیز بصورت خلاصه در متن این مصاحبه آورده ایم.

شورای نگهبان و ضعف های قانون اساسی

خبرنگار فرانسوی - در آستانه چهارمین سال انقلاب، دستاوردهای این انقلاب را در چه مرحله ای می بینید؟

پاسخ - ... شاه سرنگون شد. بانک های خصوصی، که یکی از عمده ترین وسائل غارت کلان سرمایه داران وابسته به رژیم شاه و امپریالیسم جهانی بودند، ملی اعلام شدند. ثروت های عظیم خاندان شاه سرنگون شده و وابستگان دربار، که اکثرا همان بزرگ مالکان و سرمایه داران کشور بودند، مصادره گردید و در اختیار نهادهای انقلابی قرار گرفت (همین ثروت امروز در اختیار امثال گروهی روحانی، فرماندهان سپاه و سرمایه داران بزرگ تجاری وابسته به حاکمیت است)، بخش مهمی از کارخانجات بزرگ نزدیک به ۷۰ درصد، که صاحبانشان به بانک های دولتی و شخصی وام های کلان بدهکار بودند، در اختیار دولت قرار گرفت. (در دوران بازسازی که پس از جنگ و درگذشت آیت الله خمینی آغاز شد، این کارخانه ها تحت عنوان تعدیل اقتصادی به تجار و روحانیون فروخته شد که از جمله دلایل نابودی تولید ملی، تعطیل کارخانه ها و فروش قطعات آن در بازار منطقه و ایران است).

شورای انقلاب به تبعیت از خواست توده های ده ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا، که با نیروی عظیم خود، انقلاب را به پیروزی رسانده بودند، یک سلسله قوانین را به نفع زحمتکشان و در جهت محدود کردن امکانات غارتگران، کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان تصویب کرد، قوانینی نظیر محدود کردن مالکیت ارضی و واگذاری زمین های متعلق به بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین، قانون ملی کردن تجارت خارجی، قانون ملی کردن زمین های شهری و کوتاه کردن دست سفته بازان از پخش ساختمان و نظائر اینها. این سلسله تصمیمات مثبت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شدند و بطور چشمگیری مورد تأیید توده های میلیونی رای دهندگان به این قانون قرار گرفتند. البته در این قانون اساسی نقاط منفی وجود دارد. که در صورت چیره شدن نیروهای راستگرا در حاکمیت، می تواند در جهت معکوس محتوای واقعی قانون مورد سوء استفاده قرار گیرد. (حادثه ای که اکنون شاهد آن هستیم!)

این تصمیمات، که بطور کلی در چارچوب اصلاحات بورژوا دمکراتیک قرار داشتند، می توانستند در صورت پیگیری و اجرا، پایه ای برای دگرگونی های ژرف تر اجتماعی-اقتصادی علیه نظام غارتگر سرمایه داری بوجود آورد. اینها بودند عمده ترین دستاوردهای انقلاب، که بخش اساسی و عمده آن در همان سال های اول و دوم پیروزی انقلاب عملی گردید و با اینکه در سال های سوم و چهارم، بر اثر یک سلسله عوامل، پیشرفت انقلاب دچار کندی و رکود شد و در زمینه هائی گام هایی به عقب برداشت، هنوز اثرات عمیقش در جامعه ایران وجود دارد و بعنوان یکی از عوامل عمده درگیری های اجتماعی **دورانی که در برابر ماست**، اثر خواهد گذاشت.

خبرنگار فرانسوی - سرکوب بسیار شدید و اعدام های متعدد هنوز رواج دارد. بنظر می رسد، که اقداماتی نگران کننده نسبت به حزب توده ایران انجام می گیرد. این وضع ناشی از تلاش برخی گرایش ها برای تضعیف انقلاب نیست؟

پاسخ - این پرسش با اهمیتی است، واقعیت اینست که در نقاب ایران طیف فوق العاده رنگارنگی از نیروهای اجتماعی، با افکار و عقاید و آماج ها و خواست های گوناگون اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در همه زمینه ها شرکت داشتند. با کمال تأسف در میان این نیروهای انقلابی از همان آغاز اوج گیری جنبش انقلابی، سوء تفاهات ذهنی بسیار و اختلاف نظرهای عمیق در شیوه های عمل و برداشت ها و ارزیابی ها وجود داشت و

امپریالیسم و ارتجاع با مهارت توانستند از این اختلافات بهره گیری نمایند و این نیروها را در مراحل مختلف انقلاب بجان هم بیندازند و مجموعه نیروهای انقلابی را به میزان قابل توجهی ناتوان سازند. نیروهای راستگرا، یعنی آن بخش از نیروهایی که در حقیقت خواستار سازش با امپریالیسم جهانی و نگهداری پایه های نظام کهنه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری هستند و با هرگونه دگرگونی بنیادی بسود محرومان جامعه دشمنی می ورزند، موفق شدند، علیرغم ضربه های چندی که خوردند، از اختلاف نظر میان نیروهای مبارز انقلابی، چه در میان مسلمانان مبارز و نیروهای چپ دگراندیش - از جمله نیروهای راستین مارکسیست - و چه در میان خود نیروهای مبارز مسلمان، بسود حفظ مواضع خود سوء استفاده کنند. در این جریان باید به اشتباهات بزرگ بخش مهمی از نیروهای ضد امپریالیسم و مردمی و تحریکات آن قسمت از ستون پنجم دشمن امپریالیستی، که ماسک های "چپ" بر صورت خود زده اند و از همان آغاز انقلاب بجای اتخاذ سیاست اتحاد و انتقاد و مبارزه، سیاست رودرروئی و برخورد با توده های میلیونی مسلمان را برگزیدند، اشاره کنیم. این اشتباهات آب به آسیاب نیروهای راستگرا سرازیر کرد و به آنها امکان داد، تا در چارچوب مبارزه با تروریسم کور، که بوسیله حادثه جویان از یک سو و از طرف ستون پنجم امپریالیسم در داخل حاکمیت و نظائر آنها از سوی دیگر، در جامعه ایران به مورد اجرا گذاشته شد، ضربات جدی به همه نیروهای انقلابی و مردمی - اعم از پیروان سوسیالیسم علمی و یا آن بخش از نیروهای مسلمان مبارز، که خواستار جدی دگرگونی های بنیادی بسود محرومان هستند -، وارد آوردند. نیروهای قشری و راستگرا توانستند از این شرایط بهره گیری کنند و مبارزه علیه **تروریسم کور** را در ابعاد بسیار گسترده تری، بصورت مبارزه با آزادی های فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی، درآورند و همه دگراندیشان را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند.

بدون تردید این روش سیاسی، که در حاکمیت ایران هر روز وزنه سنگین تری پیدا می کند، به انقلاب زیان می رساند و موجب می شود، که بخشی از نیرو های انقلابی، که هواداران پیگیر و راستین انقلاب هستند از صحنه مبارزه برای نگهداری دستاوردهای انقلاب کنار زده شوند و در نتیجه صف نگهبانان انقلاب هر روز ناتوان تر شود. این واقعیتی است، که بویژه در یک سال اخیر، یعنی در چهارمین سال زندگی انقلاب ایران، ما شاهدش هستیم. در حالیکه اقدامات تروریستی به میزان چشمگیری ناچیز شده اند، ولی محدودیت های سیاسی در مورد آزادی های فردی و اجتماعی و فشار سیاسی به دگراندیشان و بویژه به نیروهای چپ هر روز افزایش می یابد.

اما در مورد حزب ما، حزب توده ایران از همان اولین روزهای اوجگیری جنبش انقلابی ایران، با ارزیابی درست از نیروهای شرکت کننده در انقلاب و گرایش های آنها، شعار جبهه متحد خلق را، جبهه ای که همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی مسلمان و دگراندیش را دربرگیرد، برگزید و پیگیرانه در راه تحقیق آن کوشید و بهمین جهت مورد دشمنی کینه توزانه دشمنان انقلاب ایران قرار گرفت. حزب ما با تجربه گیری از مبارزات چهل ساله انقلابی خود و با آموزش از تجربه انقلاب های مردمی در سایر کشورها، سیاست اتحاد و انتقاد با همه نیروهای ضد امپریالیست و هوادار حقوق محرومان را انتخاب کرد و سعی کرد، تا با کمک فکری به سایر نیروهای مترقی و مردمی، که دچار گمراهی و اشتباه می شدند، به آنها در تصحیح اشتباهاتشان یاری رساند.

خبرنگار فرانسوی - جنگ با عراق همچنان ادامه دارد. شما پایان آن را چگونه می بیند؟

پاسخ - اکنون سال سوم جنگ است و هنوز دورنمایی برای پایان پذیرفتن آن دیده نمی شود. این جنگ تا کنون به ایران و عراق خسارات انسانی و مادی بسیار سنگینی وارد آورده است. خسارت وارده از لحاظ انسانی به دو طرف اکنون مدت هاست که از مرز صد هزار نفر گذشته و خسارات مادی آن در ایران از مرز یکصد میلیارد دلار تجاوز کرده است. هزینه جاری جنگ هر روز ۲۰ میلیون دلار از امکانات مالی ملت ایران را می بلعد و بدون شک در عراق هم همینطور است. صدها هزار جوان دو کشور، بجای فعالیت سازنده برای شکوفای کردن اقتصاد و فرهنگ میهن خود، رو در روی هم ایستاده اند و یکدیگر را نابود می کنند. تجاوز عراق به ایران، که به تحریک امپریالیسم امریکا صورت گرفت، غیر از ناتوان کردن ایران انقلابی، دو هدف مهم دیگر نیز داشت، یکی ایجاد دشمنی میان خلق های ایران و عرب همسایه و در پیامد آن، جلوگیری از تاثیر انقلاب ایران روی کشورهای امپریالیست زده و ارتجاعی منطقه، و دیگری گند کردن روند گسترش و تکامل انقلاب در خود ایران. ادامه جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران را بسرعت افزایش داد و نیروهای راستگرای وابسته به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرم های مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پست های کلیدی نهادهای انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواری ها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کندتر و کندتر کردند و آن را به رکود کشاندند. در این چارچوب می توان امروز به روشنی دید، که با کمال تاسف امپریالیسم امریکا، که آتش افروز اصلی این جنگ است، به بخش زیادی از هدف هایی که با روشن کردن این آتش در برابر خود قرار داده بود، رسیده است.

هدف اساسی و تغییر ناپذیر امپریالیسم امریکا، براندازی رژیم کنونی و جانشین ساختن آن با یک رژیم سرسپرده به امریکاست. امریکا می کوشد یا از راه فشارهای خارجی و یا از راه تحریکات داخلی در جهت مسخ حاکمیت کنونی (دولت سال ۶۱) و مسلط ساختن نیروهای راست در آن، به این هدف برسد.

خبرنگار فرانسوی - چه دورنمایی را حزب شما پیشنهاد می کند؟ و اصولاً موضع حزب شما نسبت به نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چگونه است؟

پاسخ - پاسخ به این پرسش دشوارتر از پاسخ به پرسش های دیگر است، علت هم اینست، که انقلاب ایران یکی از بغرنج ترین دوران های خود را می گذراند. واقعیت اینست، که در چهارمین سال انقلاب، نیروهای راستگرا در سیاست داخلی و سیاست خارجی و حتی در زمینه های نظامی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حملات همه جانبه خود را به دستاوردهای انقلاب شدت داده اند و مواضع مهمی را از دست نیروهای وفادار به انقلاب بیرون کشیده اند. در مجلس شورای اسلامی، در طی این سال عده قابل توجهی از نمایندگان، که در گذشته در جهت خط مردمی، یعنی هواداری از دگرگونی های بنیادی بسود محرومان جامعه و محدود کردن امکان غارتگری ثروتمندان قرار داشتند، بتدریج به اردوگاه مقابل پیوستند. (روندی که در سال های بعد بسرعت کامل شد!) قوانینی که به نحوی از انحاء منافع طبقات استثمارگر بزرگ جامعه را مورد تهدید قرار دهد، تنها با اقلیت ناچیزی می تواند در مجلس به تصویب برسد. تازه این قوانین، اگر در مجلس به تصویب برسد، در شورای نگهبان قانون اساسی، که از فقهای اسلامی شیعه برگزیده می شوند، مورد تایید قرار نمی گیرد. در زمینه اقتصادی، از یکسو در جهت تامین عدالت اجتماعی بسود محرومان تقریباً می توان گفت، که هیچ اقدام اساسی و بنیادی انجام نگرفته است، ولی در مقابل گام هایی در جهت تحکیم و تقویت مواضع کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ برداشته شده و

می شود. مالکانی که از ترس انقلاب گریخته بودند، به اراضی خود بازمی گردند و به کمک نهادهای دولتی و انقلابی زمین های خود را از دهقانان پس می گیرند. بسیاری از کارخانجاتی، که در اثر بدهکاری کلان صاحبانشان به دولت به تملک دولت در آمده بود، یکی پس از دیگری به صاحبان اولیه بازگردانده می شود، فشار گرانی سرسام آور، که در درجه اول پیامد غارتگری بی سابقه محافل سرمایه داری بزرگ بر روی میلیون ها کارگر و دهقان و کارمند و روشنفکر و تولید کنندگان خرده پا می باشد، هر روز سنگین تر می شود، به این ترتیب می توان گفت، که انقلاب در همه زمینه ها دچار بحران درونی شده است و در پیامد این بحران، ناخشنودی توده های وسیع زحمتکشان شهر و روستا هر روز شدت پیدا می کند. امریکا، با تمام وسائل تبلیغاتی و سازمان های وابسته به خود و به کمک بخشی از روحانیت وابسته به ارتجاع، می کوشد این ناخشنودی را در جهت ناتوان کردن انقلاب، جدا کردن مردم از نیروهای راستین هوادار پیشرفت و گسترش انقلاب، مورد بهره گیری قرار دهد. فقدان یک تشکل سیاسی - اجتماعی، که نیروهای راستین انقلاب را بصورت جبهه ای دربرگیرد، نبودن تشکل سیاسی در میان پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، وجود اختلافات جدی در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک در میان نیروهای انقلابی چپ، وجود سوء تفاهمات میان نیروهای انقلابی چپ و مذهبی، که گاهی به دشمنی های شدید می انجامد، همه و همه کار را برای دشمنان انقلاب آسان می کند. در این شرایط، مسئولیت تاریخی سنگینی برعهده تمامی طیف نیروهای مردمی پیشرو قرار دارد. البته سنگین ترین بخش این مسئولیت بعهده نیروهای انقلابی مسلمان است، که از نفوذ قابل توجهی در میان توده ها برخوردارند. اگر این نیروهای هوادار محرومان، نیروهای طرفدار استقلال واقعی و همه جانبه و نیروهای هوادار آزادی برای اکثریت محروم جامعه بتوانند در این دوران سر نوشت ساز، با توجه به مسئولیت تاریخی خود، جبهه متحدی را بوجود آورند، با تکیه به نیروهای عظیم توده های زحمتکش خواستار دگرگونی های بنیادی، می توانند حمله نیروهای راستگرا را خنثی کنند.